**نقش ازدواج در اخلاق و تربیت‏**

گفت و گو با حجت الاسلام محمد سلطانى‏

خُلُق: هدف ما از این گفت و گو این است که به رابطه ازدواج با اخلاق و معنویت بپردازیم. در این زمینه و به عنوان مقدمه از بیانات حضرت‏عالى استفاده مى‏کنیم.

بسم الله الرحمن الرحیم.

تا جایى که از آیات و روایات و فرمایش‏هاى بزرگان استفاده کرده‏ام، این است که اصل ازدواج- به ویژه از زوایه تأثیر آن بر مسائل معنوى- یکى از ضرورت‏ها است. در مسائل اخلاقى و تربیتى نیز ازدواج از زوایاى مختلف قابل بررسى است.

**ازدواج و تربیت نفس‏**

یکى از ابعاد ازدواج، تربیت نفس است که شامل دو جهت است؛ یکى تربیت خود شخص با قطع نظر از طرف مقابل و دیگرى تربیت متقابل مرد و زن. و این‏ها همه در آثار تربیتى ازدواج مطرح مى‏شود. روایات، این موضوع را به صورت‏هاى مختلف بررسى کرده‏اند؛ مثلًا در روایت از پیامبر اکرم صلى الله علیه و آله آمده است: «النِّکَاح سُنَّتِی‏؛ ازدواج، سنت من است.» این سؤال مطرح مى‏شود که چرا نکاح و ازدواج، سنت است؟ پاسخ این است که وقتى انسان را بررسى مى‏کنیم مى‏بینیم که او آمیزه‏اى از فرشته و حیوان است. انسان، ترکیبى از طبع و نفس است که طبع از عالم حیوانیت، و نفس از عالم ملکوت و ملائکه برداشته شده است. فرض این است که انسان با این ترکیب مى‏خواهد از عالم حیوانیت گذر کند. پس چرا بر ازدواج که خود مى‏تواند یکى از مصداق‏هاى بارز حیوانیت باشد، این‏قدر تأکید شده و سنت رسول خدا صلى الله علیه و آله قرار داده شده است؟ و چرا درباره کسى که ازدواج نکند، گفته شده است: «از من نیست»؟ یعنى گویا چنین کسى سنخیتش با رسول خدا صلى الله علیه و آله قطع مى‏شود.

از اینجا معلوم مى‏شود که ازدواج در مکتب ما قطعاً باید غرضى غیر از اغراض حیوانى داشته باشد. براى ازدواج، ابعاد مختلفى در روایات مطرح شده است که به برخى اشاره مى‏کنم:

فعلیت استعدادهاى انسان در پرتو ازدواج‏ یک جنبه غیرحیوانى ازدواج این است که گفته شده ازدواج، نصف دین‏[[۱]](http://bonyadhad.ir/2911" \l "_edn1) است.

اما چطور ازدواج نصف دین است؟ آیا با صرف این‏که عقدى خوانده شود و مرد و زنى با هم ازدواج کنند، شخص نصف دینش را پیدا مى‏کند؟ بالوجدان مى‏بینیم که چنین نیست و با ازدواج، چنین اتفاقى نمى‏افتد و چنین چیزى خلاف ضرورت است؛ پس این روایت باید معناى خاصى داشته باشد.

مقصود از روایت، این است که ازدواج، زمینه‏ساز تحصیل نصف دین است، و گرنه دین، اکتسابى (: به دست آوردنى) است و با صرف ازدواج، دین به دست نمى‏آید. توضیح این مطلب این است که انسان براى این‏که دین را به جانش برساند، باید مجموعه‏اى از باورها، اخلاق و رفتارها را دارا باشد. اگر انسان، خودش باشد و خودش، عالمى براى خودش دارد که این عالم بر حسب ابتلائاتش برایش رقم مى‏خورد. یک وقتى دایره ابتلاى یک شخص، رهبانیت در یک کوه است، یا مدیریت در جایى است با شرایطى خاص که گرد او است که محدوده ابتلایش در همین حدّ است. این محدوده‏ها، میدان تحصیل دین یا از دست‏دادن دین است. اگر کسى ازدواج را ترک کند، یک دایره خاصى برایش مطرح هست و در عین حال، یک دایره‏هایى هم برایش مطرح نمى‏شود. خود به خود، ابتلائات چنین شخصى یک سامانه خاصى به خود مى‏گیرد و فقط در این سامانه خاص است که ابتلائات، نفسِ شخص را فعال مى‏کند و در دو جهت مثبت و منفى- به حسب اختیاراتش در انتخاب- فعلیتى به او مى‏دهد.

مهم این است که با ازدواج، دایره‏هاى ضیق‏تر و زوایاى ریزتر و ظریف‏ترى در نفس اشخاص فعال مى‏شود که در صورت ترک ازدواج، این زوایا براى آن‏ها مطرح نمى‏شد. از این‏رو با آمدن این زوایا، شخص به فعلیت‏هاى جدیدى دست مى‏یابد و اگر انسان، خود را در این دایره قرار ندهد، نفسش فعال نمى‏شود و چون نفس فعال و دراک نشود، تحصیل [فعلیت‏ها] هم نخواهد بود یا به تعبیر این روایت، نصف دین، احراز نخواهد شد.

با یک مثال، مطلب را واضح‏تر کنیم. گاهى وقتى شخصى ازدواج مى‏کند، در برخورد با همسرش تازه مى‏فهمد یک زاویه خاصى از استکبار یا بداخلاقى در او وجود دارد که اگر ازدواج نمى‏کرد، متوجه آن نمى‏شد. و گام اول در تربیت نفس، شناسایى عیب‏هاى آن است. شناسایى عیب‏هاى نفس، خود یک ثمره بزرگ تربیتى ازدواج است.

البته این، به نحوه اختیار انسان بستگى دارد که با ازدواج در جهت مثبت رشد کند یا در جهت منفى سقوط کند. برخى با ازدواج در جهت منفى پیش مى‏روند؛ مثلًا حب دنیا در دلشان افزون‏تر مى‏شود یا برخى بد اخلاق مى‏شوند. بد شدن هم در دو طرف افراط و تفریط مطرح مى‏شود. کسى که مى‏خواهد تربیت معنوى داشته باشد، باید مراقب همه زوایا و جوانب باشد؛ مثلًا کسى که مى‏خواهد تربیت معنوى کند، نباید وابستگى داشته باشد و باید استقلال خود را حفظ کند. روحى که غل و زنجیر داشته باشد، در مسائل تربیتى و معنوى نمى‏تواند رشد کند. باید بسته نباشد: «مُنَّ عَلَیَّ بِفَکَاکِ رَقَبَتِی‏: [خدایا!] بر من منت گذار به واسطه آزادکردنم.» شهید مطهرى نیز مى‏گوید:

یکى از فواید ازدواج این است که انسان، از خودخواهى نجات پیدا مى‏کند.

با ازدواج، خودخواهى بروز پیدا مى‏کند و انسان مى‏فهمد که زندگى طرفینى با خودخواهى ممکن نیست.

**ازدواج و تربیت فرزند**

خُلُق: یکى از مهم‏ترین ثمره‏هاى ازدواج، فرزند است که مباحث تربیتى بسیارى درباره آن، مطرح است. لطفاً کمى هم در این باره توضیح بفرمایید.

این، یک باب خیلى مهم است و بسیارى از روایات، این موضوع را پى‏گیرى مى‏کنند. یکى از ارکان ازدواج، توالد است. البته هدف اصلى از ازدواج، توالد نیست؛ بلکه اهداف دیگر هم دارد؛ ولى مى‏توان گفت: هدف اصلى ازدواج، تربیت است و این تربیت، اعم از تربیت خود و تربیت فرزند است. در آیات و روایات، مطالب مهمى درباره این بُعد ازدواج، یعنى تربیت فرزند مطرح شده است.

**رابطه انتخاب همسر و تربیت فرزند**

یکى از مسائل مهمى که در آیات و روایات مطرح شده، انتخاب زوجه است. تربیت فرزند صالح، از زمان انتخاب همسر شروع مى‏شود، نه از زمان تولد فرزند. آیه «نِساؤُکُمْ حَرْثٌ لَکُمْ فَأْتُوا حَرْثَکُمْ أَنَّى شِئْتُمْ وَ قَدِّمُوا لِأَنْفُسِکُمْ‏»[[۲]](http://bonyadhad.ir/2911" \l "_edn2) و «وَ الْبَلَدُ الطَّیِّبُ یَخْرُجُ نَباتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَ الَّذی خَبُثَ لا یَخْرُجُ إِلَّا نَکِدا»[[۳]](http://bonyadhad.ir/2911" \l "_edn3) در این زمینه است. در اینجا روایات خیلى از شرایط- مانند عِرْق دسّاس-[[۴]](http://bonyadhad.ir/2911" \l "_edn4) را که بیان مى‏کنند، غرض آن‏ها، این است که یک انسانى که متولد مى‏شود، زمینه [بالفعل‏] تربیت اخلاقى را دارا باشد یا یک زمینه مناسبى داشته باشد که پذیراى مسائل تربیتى باشد. این زاویه مهمى است که باید به تفصیل بررسى شود. ما هم تحقیقى در این باره داریم و در زنجیره تربیت، دوازده حلقه شناسایى کرده‏ایم که هفت تا هشت حلقه آن، مربوط به پیش از تولد فرزند است که یکى از حلقاتش، انتخاب همسر است. اگر مراحل تربیت قبل از تولد و قواعد اولیه و ثانویه‏اى که در این بخش است، به درستى رعایت شود، چه بسا فرزندى که به دنیا مى‏آید، همان هنگام تولد، یک ولى از اولیاى خدا باشد، و چه بسا اگر بهتر از آن رعایت شود، فرزند در همان رحم، ذاکر باشد و در مقابل اذکار معنوى، انفعال‏ها و واکنش‏هاى خاصى را داشته باشد. چه رسد به بعد از تولد.

یکى از تأثیرات کفو نیز که در روایات بر آن تأکید شده، در تولید تام و فرزند مؤمن است. کفو بودن، مطلب بسیار مهمى است که خیلى سریع از آن گذر مى‏شود. از یک طرف در اسلام، به ایمان امر شده است و از یک طرف، امر به ازدواج با کفو؛ یعنى اگر ازدواج با کفو صورت گیرد، تولید آن، تولید ممتاز تامّى است. شرایط دیگر مثل عِرق‏هاى صالح و خصوصیات آن نیز به این بحث مربوط مى‏شود. پس حلقه اول تربیت، زوج‏یابى است که در روایات، به صورت خیلى گسترده مطرح شده است و حتى خصوصیات جسمى را هم بیان کرده‏اند که باید در این زمینه ارتباط خصوصیات جسمى با خصوصیات روانى تبیین شود.

**نقش عواملى مانند غذا در تربیت فرزند**

خُلُق: در روایات و سخنان بزرگان بر غذا و روزى و نقش آن در پیشرفت یا سقوط افراد، تأکید بسیارى شده است. در این زمینه هم لطفاً نظر خود را بفرمایید.

در روایات [علاوه بر معیارهاى بیان شده در انتخاب همسر،] قواعد مختلفى در خوراک، اعتقادات و رفتارها مطرح است. اعتقادات، رفتارهاى روزمره، غذاها و حتى هوا از امور مؤثر در بدن است. رابطه ازدواج و تربیت معنوى، یک زاویه مهم در ازدواج است که باید بررسى شود. یکى از ویژگى‏هاى اهل‏بیت علیهم السلام این است که در اصلاب شامخه و ارحام مطهره بوده‏اند. «أَشْهَدُ أَنَّکَ کُنْتَ نُوراً فِی الْأَصْلَابِ الشَّامِخَهِ وَ الْأَرْحَامِ الطَّاهِرَهِ لَمْ تُنَجِّسْکَ الْجَاهِلِیَّهُ بِأَنْجَاسِهَا وَ لَمْ تُلْبِسْکَ الْمُدْلَهِمَّاتُ مِنْ ثِیَابِهَا»[[۵]](http://bonyadhad.ir/2911" \l "_edn5) «لَمْ تُنَجِّسْکَ الْجَاهِلِیَّهُ بِأَنْجَاسِهَا» را هم مى‏توان چنین معنا کرد که ممکن است کسى در اصلاب شامخه و ارحام مطهره‏اى هم بوده است؛ اما به سبب رفتارهاى جاهلانه‏اى که با او شده، نجس شده است.[[۶]](http://bonyadhad.ir/2911" \l "_edn6) این رفتار جاهلانه که در این دعا آمده، باید سازمان علمى پیدا کند که چه رفتارهایى است؟

اگر ما قواعدى را در این بخش سامان دهیم، فرزندى که متولد مى‏شود، «سَلامٌ عَلَیْهِ یَوْمَ وُلِدَ»[[۷]](http://bonyadhad.ir/2911" \l "_edn7) است؛ یعنى در سلامت متولد مى‏شود، سلیم القلب است، نجاست جاهلى، جان او را آلوده نکرده است. اگر قواعد از ابتدا تا اینجا رعایت شده باشد، جنود عقل- که صد جند است‏[[۸]](http://bonyadhad.ir/2911" \l "_edn8)– در او سرکوب نشده است.

مثلًا در روایات آمده است که اگر عمل آمیزش در فلان شب انجام شود، فرزند چگونه مى‏شود یا اگر در فلان زمان انجام شود، فرزند عالم مى‏شود یا اگر در فلان زاویه باشد، معین [: مددکار] ظالم مى‏شود. مرحوم سید بن طاووس در کتاب الدروع الواقیه روایاتى آورده است که چه کارهایى سبب تربیت آسان فرزند مى‏شود؟ روایاتى که درباره زمان لقاح است، حتى آنجا خوراکى‏ها مطرح شده است.

**گاهى انسان غذایى را مى‏خورد که بیست‏**

 [البته در این منابع ۷۵ جند براى عقل و ۷۵ جند براى جهل برمى‏شمرد.]

روز بعد در نطفه او اثر مى‏گذارد ولى یک دسته از روایات، ناظر به خوراکى شب آمیزش است. از این مطلب، روشن مى‏شود برخى خوراکى‏ها، حتى پیش از این‏که چرخه هضم را تمام کند، در چرخه تربیت فرزند مؤثر است.

همچنین وقتى روایات طینت را بررسى کنید، مى‏بینید، بخشى از طینت به امور مادى برمى‏گردد؛ مثلًا در روایتى از امیر مؤمنان علیه السلام سؤال مى‏کنند: «چرا اخلاق و رفتار مردم با هم متفاوت است؟» حضرت مى‏فرماید: «این تفاوت‏ها، به خاکى برمى‏گردد که از آن، متولد شده‏اند؛ خاک شور، یک نوع رفتار و خاک غیر شور، یک نوع رفتار از آن، تولید مى‏شود.» تفاوت انسان‏ها را به تفاوت خاک‏هایى برمى‏گرداند که انسان‏ها از آن متولد شده‏اند. (انسان از غذا است و غذاها از خاک؛ لذا هر خاکى نوعى غذا و به تبع آن، نوعى رفتار تولید مى‏کند.) همچنین ذیل آیه «وَ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسانَ مِنْ صَلْصالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُون‏»[[۹]](http://bonyadhad.ir/2911" \l "_edn9) روایتى است که حمأ مسنون، طینت اشرار است.[[۱۰]](http://bonyadhad.ir/2911" \l "_edn10)

باید توجه داشت که امروزه سیاست‏هاى کشاورزى کشورها «حمأ مسنون‏» تولید مى‏کنند؛ زیرا فاضلاب را در زمین‏هاى زراعى جارى مى‏کنند و گیاه، از آن، تغذیه مى‏کند و بعد، جذب بدن انسان مى‏شود، و در نطفه‏ها تأثیر مى‏گذارد.

ذیل آیه «إِنَّا خَلَقْناهُمْ مِنْ طینٍ لازِب‏»[[۱۱]](http://bonyadhad.ir/2911" \l "_edn11) فرموده‏اند: «طین لازب‏،[[۱۲]](http://bonyadhad.ir/2911" \l "_edn12) طینت اخیار و خوبان است.[[۱۳]](http://bonyadhad.ir/2911" \l "_edn13) برخى از این امور، به سیاست‏هاى کلان کشاورزى برمى‏گردد که متأسفانه در این جهت، غفلت شده است. «فَلْیَنْظُرِ الْإِنْسانُ إِلى طَعامِهِ‏»[[۱۴]](http://bonyadhad.ir/2911" \l "_edn14) این غذاهایى که از این آب‏ها تغذیه مى‏کنند، آثار سوء تربیتى به جا مى‏گذارند.

مرحوم آیت الله بهجت قدس سره مى‏فرمود: «روح ایمان و کفر، از غذا تولید مى‏شود».

البته آنچه اینجا مطرح مى‏شود، در تربیت نفس هم تأثیرگذار است؛ هر امرى که در این زاویه مثبت باشد، در آن زاویه هم مؤثر است. غذاهایى که والدین مى‏خورند، هم در تربیت فرزندانشان مؤثر است و هم در رفتارهاى خودشان و هر چیزى که در نطفه شخص تأثیر منفى بگذارد، در خود شخص هم تأثیرات منفى بر جاى مى‏گذارد.

**پیوست‌ها:**

[[۱]](http://bonyadhad.ir/2911" \l "_ednref1) . اشاره به مثل روایتى که مى‏فرماید:« مَنْ تَزَوَّجَ أَحْرَزَ نِصْفَ دِینِه؛ هرکس ازدواج کند، نیمى از دینش را احراز کرده است». رک: کافى، ج ۵، ص ۳۲۸، باب کراهه العزبه، ح ۲؛ من‏لایحضره‏الفقیه، ج ۳، ص ۳۸۳؛ أمالى طوسى، ص ۵۱۸؛ ح ۱۱۳۷؛ بحارالأنوار، ج ۱۰۰، ص ۲۱۹.

[[۲]](http://bonyadhad.ir/2911" \l "_ednref2) .« زنان شما محل بذر افشانى شما هستند؛ پس هر زمان که بخواهید مى‏توانید با آن‏ها آمیزش کنید و( با پرورش فرزندان صالح، اثر نیکى) براى خود از پیش بفرستید»، سوره بقره: ۲۲۳.

[[۳]](http://bonyadhad.ir/2911" \l "_ednref3) .« و زمین پاک‏[ و آماده‏]، گیاهش به اذن پروردگارش برمى‏آید، و آن‏که ناپاک است‏[ گیاهش‏]، جز اندک و بى‏فایده برنمى‏آید. این گونه، آیات را براى گروهى که شکر مى‏گزارند، گونه‏گون بیان مى‏کنیم.»، سوره اعراف: ۵۸.

[[۴]](http://bonyadhad.ir/2911" \l "_ednref4) . عرق: ژن. دساس: یعنى بسیار زمینه ساز و تأثیرگذار.

[[۵]](http://bonyadhad.ir/2911" \l "_ednref5) .« شهادت مى‏دهم که تو نورى در صلب‏هاى برجسته و رحم‏هاى پاک بودى جاهلیت تو را با نجاست‏هایش آلوده نکرد.» تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۱۳، زیارت اربعین.

[[۶]](http://bonyadhad.ir/2911" \l "_ednref6) .[ البته اگر عطف این جمله به عبارت قبل آن را عطف تفسیرى بگیریم، دیگر این معنا درست نخواهد بود.]

[[۷]](http://bonyadhad.ir/2911" \l "_ednref7) . سلام بر او روزى که زاده شد.

[[۸]](http://bonyadhad.ir/2911" \l "_ednref8) .رک: کافى، ج ۱، ص ۲۱؛ علل‏الشرائع، ج ۱، ص ۱۱۴؛ تحف‏العقول، ص ۴۰۱. سوره آل عمران: ۱۵.

[ البته در این منابع ۷۵ جند براى عقل و ۷۵ جند براى جهل برمى‏شمرد.]

[[۹]](http://bonyadhad.ir/2911" \l "_ednref9) . سوره حجر: ۲۶.

[[۱۰]](http://bonyadhad.ir/2911" \l "_ednref10). رک: تفسیر کنز الدقائق، ج ۷، ص ۱۲۰؛ البرهان، ج ۴، ص: ۵۹۲.

[[۱۱]](http://bonyadhad.ir/2911" \l "_ednref11) . سوره صافات: ۱۱.

[[۱۲]](http://bonyadhad.ir/2911" \l "_ednref12) . خاک چسبنده.

[[۱۳]](http://bonyadhad.ir/2911" \l "_ednref13) . رک: البرهان، ج ۴، ص: ۵۹۲

[[۱۴]](http://bonyadhad.ir/2911" \l "_ednref14) . سوره عبس: ۲۴.